



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان‌شناسی

رساله دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

عنوان رساله

رهیافتی نجومی به تفسیر روایت زرتشتی آخرالزمان

استاد راهنما

دکتر کتابیون مزداپور

استادان مشاور

دکتر زهره زرشناس

دکتر حنیف قلندری

پژوهشگر

علیرضا بلنداقبال

اسفندماه ۱۳۹۳



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۰

رساله‌ی تحصیلی آقای علیرضا بلند اقبال دانشجوی مقطع دکتری رشته‌ی فرهنگ و زبانهای باستانی

تحت عنوان:

رهیافتی نجومی به تفسیر روایت زرتشتی آخرالزمان

را بررسی کردند و رساله با درجه ^ب به تصویب نهایی رسید.

امضا

۱. استاد راهنمای رساله، سرکار خانم دکتر کتابون مزداپور با مرتبه علمی استاد

امضا

۲. استاد مشاور رساله، سرکار خانم دکتر زهره زرشناس با مرتبه علمی استاد

امضا

۳. استاد مشاور رساله، جناب آقای دکتر حنیف قلندری با مرتبه استادیار

امضا

۴. استاد داور داخلی، سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب با مرتبه علمی استادیار

امضا

۵. استاد داور مدعو، جناب آقای دکتر محسن ابوالقاسمی با مرتبه علمی استاد

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

سپاسگزاری

در تدوین این رساله وام‌دار مهر و الطاف بی‌دریغ بزرگوارانی بوده‌ام که بدین وسیله مراتب سپاس و قدرشناسی خود را نسبت به ایشان ابراز می‌دارم:

- استاد راهنمای ارجمند سرکار خانم دکتر کتایون مزداپور و استادان مشاور گرامی سرکار خانم دکتر زهره زرشناس و جناب آقای دکتر حنیف قلندری، که در طی مراحل تدوین این رساله، بزرگوارانه کمال مساعدت و نهایت انعطاف را نسبت به اینجانب مبذول داشته‌اند.
- داوران محترم داخلی و خارجی رساله که در مطالعه و بررسی آن، قبول زحمت فرمودند.
- دانشمند فرزانه و استاد ارجمند، جناب آقای **دکتر محمد حسندوست** که همواره، با رویی گشاده این جانب را از سرچشمه دانش و مهر پدرانۀ خویش سیراب ساخته‌اند.
- همسر عزیز و بزرگوارم، «نفیسه‌چیداز» که با شکیبایی و یاری بی‌دریغش این نهال علمی به‌بار نشست.
- پدر، مادر و خواهرم که دعای خیر و محبت بی‌دریغشان از کودکی تا کنون شامل حالم بوده است.
- پدر، مادر و خانواده همسر که در طی دوران تحصیل همواره با رویی گشاده، زحمتهای مرا با رحمت خویش پاسخ گفتند.
- «میرسجاد حسینی»، دوست ارجمند و یاور همیشگی من در روزهای سخت، که پشتیبانی علمی و نرم‌افزاری ایشان در آفرینش این اثر نقشی به‌سزا و تعیین کننده داشته است.
- دوست بزرگوار و نازنین، «فرزام فروزان»، به پاس رفاقت ده ساله‌ای که آغاز آن، مقارن با شکل‌گیری فکر و طرح اولیه این پژوهش در شب یلدای ۱۳۸۳ در باغ «آدریان» شیراز بود.
- دوست ارجمند و بزرگوار، جناب آقای «پویان رضوانی»، به سبب یاری بی‌دریغ ایشان.
- استادان ارجمند و سروران گرامی، آقایان پروفسور آنتونیو کلمنته پانینو (دانشگاه بولونیا)، پروفسور پردز اُکتر شروو (دانشگاه هاروارد)، پروفسور مارتین شوارتز (دانشگاه برکلی)، دکتر پاول لوریه (موزه ارمیتاژ- سنت پترزبورگ)، دکتر انریکو رافائلی (دانشگاه تورنتو)، دکتر کیانوش رضانیا (دانشگاه گوتینگن)، یوهان سهراب دینشو و واینا (دانشگاه استنفورد) و سرکار خانم دکتر «فرزانه گشتاسب» (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) که بی‌هیچ چشم‌داشتی با یاری و پشتیبانی خود امکان بهره‌مندی این جانب را از منابع جدید خارج از دسترس و کمیاب مورد نیاز برای تدوین این رساله فراهم آوردند.

تقدیم به

- همسر عزیز و بزرگوار

و بهترین دوست و همراهم،

«نفیسه چیداز»؛

که سهم وی از زندگی من، در این سال‌ها تحمل سختی‌ها، مشقت‌ها و دشواری‌های آن بود و در سایه شکیبایی و با همراهی او این نهال علمی به بار نشست و این دفتر نگاشته شد؛

9

- فرزند دل‌بند و شادی زندگی‌ام «امیر»، که حضور او در این دنیا مقارن با مراحل پایانی تدوین این رساله بود.

و به یاد

- بزرگ‌ترین آموزگار سراسر سال‌های زندگی‌ام، که هرچند هرگز ندیدمش، اما از او بسیار آموختم؛ دانشمند فرزانه،

انوشه‌روان، دکتر «همایون صنعتی‌زاده»،

دریغا که

«... خوش درخشید، ولی دولت مستعجل بود...»

چکیده:

این رساله به بررسی یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در زمینه تاریخ ادیان، یعنی روایت زرتشتی آخرالزمان اختصاص یافته و این موضوع را بیان می‌دارد که فرزندان ایران باستان (یعنی مغان) آگاهی و شناخت خود از آسمان را در جهت نمایاندن تصویری از ادوار کیهانی، ادوار زندگی و حیات بشر، پیشگویی‌های فرجام‌شناختی و سرنوشت محتوم هستی، به کار گرفتند. موضوع آخرالزمان را، که به عنوان موضوعی اسرارآمیز تلقی می‌گردد، شاید بتوان به عنوان تعبیری برخاسته از مشاهده پیگیر آسمان همواره در حال تغییر تلقی نمود. این تعبیر به ظاهر معماگونه، هنگامی که آن‌ها را در آسمان جست و جو کنیم، طبیعت اسرار آمیزشان را از دست خواهند داد. به عبارت دیگر این تعاریف را شاید بتوان به عنوان بازتابی از اساطیر کهن نجومی، که آدمیان را با خدایان پیوند می‌داده‌اند، در نظر گرفت. جهت اثبات فرض یادشده، نگارنده، مقایسه‌ای مستدل میان شمایل‌پردازی موجود در قطعات آخرالزمانی متن‌های فارسی میانه زرتشتی همچون بندهشن، گزیده‌های زادسپرم، جاماسپ‌نامه و ... با فلک‌نگاری مردمان بین‌النهرین که در الواح نجومی «مُل‌آپین»، اسطراب‌های آشوری و نیز متن‌های نجومی هندی مانند سوریا سیدھانتا، به انجام رسانده است. این مقایسه، به مثابه رمزگشای تعبیری که نظاره‌کنندگان آسمان در روزگار باستان به هنگام تماشای صورفلکی و ستارگان می‌پرداخته‌اند، پرده از اسرار بسیاری از روایات موجود در متن‌های فارسی میانه زرتشتی همچون قربانی شدن گاو هدیوش برمی‌دارد. این پژوهش، این نکته را روشن می‌سازد که رویدادهای آخرالزمانی که در اوستا به اجمال و در متون پهلوی به تفصیل بیان گردیده‌اند، بازتابی از تصویر صورفلکی و مجموعه‌های ستارگان آسمان دائماً در حال تغییری هستند که این فرزندان قادر به تماشای آن بودند.

به علاوه نظریه هارتتر (۱۹۷۹؛ ۱۹۸۵) در مورد توضیح منشأ جشن‌های فصلی زرتشتی موسوم به گاهنبارها در گاه‌شماری اوستایی کهن و تعیین دوره تقریبی آغاز رواج نظام گاهنبارها مورد بررسی و نقد واقع شده و با به کارگیری نتایج حاصل از تحلیل داده‌های نجومی مندرج در اوستا با نرم افزار نجومی استلاریوم، نظریه تازه‌ای در این خصوص ارائه شده است.

در پایان، نظریه بحث برانگیز دیوید اولانسی (۱۹۹۱) در مورد منشأ هلنی-رواقی میتراپیسم نقد و بررسی شده و با توجه به شواهد و مطالب مندرج در متن «خطابه در باب خورشید توانا» اثر یولیانیوس مرتد، امپراطور مهرپرست روم که قراین و نشانه‌های آشکاری از باورهای کیهان‌شناختی شرقی (ایرانی-بابلی) در آن به چشم می‌خورند، دلایل نادرستی و نقض این نظریه مورد بحث قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: آخرالزمان، بندهشن، گزیده‌های زادسپرم، فارسی میانه، الواح مُل‌آپین، کیهان‌شناسی، ستاره‌شناسی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
۲	فصل یکم: کلیات طرح تحقیق.....
۳	۱-۱. اهداف و چگونگی انجام پژوهش.....
۵	۱-۲. زمان، ادوار جهان، رجعت (بازگشت به اصل) و آخرالزمان در منطق اسطوره.....
۶	۱-۲-۱. زمان، ادوار جهان و رجعت (بازگشت به اصل).....
۸	۱-۲-۲. مفاهیم فرجام‌شناسی (معاد) و آخرالزمان.....
۱۰	۱-۳. راز (آموزه‌های نهان) و ارتباط آن با باورهای آخرالزمانی در سنت دینی مزدیسنا.....
۲۰	فصل دوم: روش‌شناسی پژوهش.....
۲۱	۲-۱. مواد و روش‌ها.....
۲۸	فصل سوم: مروری بر پیشینه پژوهش و تعاریف و مفاهیم اولیه.....
	۳-۱. نگاهی اجمالی به پژوهش‌های پیشین انجام شده و دیدگاه‌های موجود در خصوص مفاهیم فرجام‌شناختی (معادی) و آخرالزمانی و مسئله قدمت آن‌ها در سنت دینی زرتشتی:.....
۲۹	۳-۲. نگاهی اجمالی به نمودهای قداست آسمان و اجرام سماوی و اهمیت نمادپردازی‌های سماوی و نجومی در باورهای‌های کیهان‌زایی و فرجام‌شناختی ایرانی.....
۳۷	۳-۲-۱. قداست آسمان و اجرام سماوی و اهمیت نمادپردازی‌های سماوی و نجومی در آموزه‌های کیهان‌زایی ایرانی.....
۴۰	۳-۲-۱-۱. اُرمزدا (اهوره‌مزدا)، خدای سماوی و تجلی قداست آسمان در نزد ایرانیان.....
۴۳	۳-۲-۱-۲. کیهان‌زایی و استعاره کلبه (خیمه) کیهانی در اوستای کهن.....

- ۳-۲-۲. نمادپردازی‌های سماوی و نجومی در باورهای فرجام‌شناختی ایرانی..... ۴۸
- ۳-۳. نگاهی اجمالی به شواهد و مدارک مربوط به آگاهی‌های نجومی و گاه‌شماری کهن در نجد ایران بر پایه یافته‌های باستان‌شناسی و اطلاعات مندرج در اوستا و متن‌های فارسی میانه زرتشتی ۴۹
- ۳-۳-۱. آشنایی با برخی مفاهیم و تعاریف اولیه ۵۲
- ۳-۳-۱-۱. مراحل ستارگان (طلوع و غروب صبحگاهی، طلوع و غروب شامگاهی)..... ۵۲
- ۳-۳-۱-۲. تقدیم (پیش‌روی) اعتدالین ۵۳
- ۳-۳-۲. بررسی چند اصطلاح نجومی و تعیین هویت مهم‌ترین اجرام سماوی نام‌برده در اوستا و متن‌های پهلوی..... ۵۴
- ۳-۳-۲-۱. بررسی چند اصطلاح مهم نجومی در متن‌های اوستایی..... ۵۴
- ۳-۳-۲-۲. بررسی دو قطعه بسیار مهم و چند اصطلاح نجومی در متن‌های پهلوی..... ۵۸
- ۳-۳-۲-۳. تعیین هویت برخی از مهم‌ترین اجرام سماوی نام‌برده در اوستا و متن‌های پهلوی..... ۶۵
- ۳-۳-۲-۳-۱. موش‌پریگ / موش‌پر (ستاره دنباله‌دار) و شهاب‌سنگ..... ۶۵
- ۳-۳-۲-۳-۲. گوزهر (گوچهر)..... ۷۰
- ۳-۳-۲-۳-۳. تیشتر و سدویس، ستارگان ایجادکننده باران، اسطوره آرش کمانگیر و برخی ملاحظات مربوط به زمان و مکان تدوین «تیشتر یشت»..... ۷۵
- ۳-۳-۲-۳-۳-۱. ستاره تیشتر (سپاهبد شرق آسمان)..... ۷۵
- ۳-۳-۲-۳-۳-۲. صورت فلکی جبار (/ نَسَق) و آرش کمانگیر..... ۸۲
- ۳-۳-۲-۳-۳-۳. ستاره سدویس (سپاهبد جنوب آسمان)..... ۸۴
- ۳-۳-۲-۳-۳-۳-۱. فرضیه انطباق سدویس با «مئبرالعقرب/إبرةالعقرب» و «قلبالعقرب»..... ۸۷
- ۳-۳-۲-۳-۳-۳-۲. فرضیه انطباق سپاهبد جنوب با «فَم‌الحوت»..... ۸۹

۳-۳-۲-۳-۳-۴. اطلاعات نجومی و اقلیمی مندرج در «تیشتر یشت» و مسئله تعیین زمان و مکان	
تصنیف این متن اوستایی.....	۹۰
۳-۳-۲-۳-۴. ستاره و نند.....	۹۷
۳-۳-۲-۳-۵. ستارگان هفتورنگ.....	۹۹
۳-۳-۳. گاه‌شماری و گاه‌نبارها.....	۱۰۱
۳-۳-۳-۱. ماه (قمر)، ایزد پیشگو، تعیین‌کننده بخت و تقدیر و وسیله اندازه‌گیری زمان در نزد	
ایرانیان.....	۱۰۱
۳-۳-۳-۱-۱. مسئله ماه ۳۰ روزه قمری در گاه‌شماری زرتشتی.....	۱۰۱
۳-۳-۳-۱-۲. ماه، ایزد پیشگو و تعیین‌کننده بخت و تقدیر در نزد ایرانیان.....	۱۰۹
۳-۳-۳-۲. نگاهی به شیوه تقسیم‌بندی سال در گاه‌شماری اوستایی کهن و بررسی منشأ گاه‌نبارها	
.....	۱۱۳
فصل چهارم: یافته‌های پژوهش.....	۱۲۱
۴-۱. مراسم پس از برداشت علوفه مغان، طلوع ستاره تیشتر و آیین سیاوش.....	۱۲۲
۴-۲. نبرد بزرگ آغازین، نبرد بزرگ بازپسین و نشانه‌های آن‌ها؛ توصیفی از وضع آسمان در زمان	
اعتدال بهاری.....	۱۲۷
۴-۲-۱. قربانی گاو هدیوش در فرشکرد/ کشته شدن کاو اِوگداد (یکتا آفریده) در زمان هجوم	
اهریمن، رویدادی حیات‌بخش:.....	۱۲۹
۴-۲-۲. وضعیت هفتورنگ.....	۱۳۳
فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری.....	۱۳۶
۵-۱. بحث و نتیجه‌گیری.....	۱۳۷
پیوست‌ها.....	۱۴۰
پیوست ۱: اسطراب‌های آشوری و مجموعه الواح نجومی مل‌آپین.....	۱۴۱

- پیوست ۲: نمونه‌هایی از تقویم‌های دهقانی دوران باستان ۱۴۸
- پیوست ۳: محاسبات استلاریوم ۱۵۱
- پیوست ۴: نقد نظریه خوارزم بزرگ ۱۵۹
- پیوست ۵: نظریه هارتنر در مورد منشأ گاهنبارها و نقد آن ۱۶۸
- پیوست ۶: نظریه دیوید اولانسی در مورد منشأ هلنی-رواقی آیین مهرپرستی و نقد آن ۱۸۴
- فهرست منابع و مآخذ ۱۸۶

فهرست جدول‌ها، تصویرها و نمودارها

عنوان	صفحه
شکل ۱-۳ سر در آرامگاه داریوش در نقش رستم.....	۱۰۸
شکل ۱-۴ چشم‌انداز صور فلکی در هنگام غروب ثور (از افق غرب آسمان).....	۱۳۰
شکل ۲-۴ نقش آشوری نبرد شیر-گاو، خُرس آباد سدهٔ هشتم ق.م.....	۱۳۱
شکل ۳-۴ نبرد شیر و گاو در تخت جمشید.....	۱۳۱
شکل ۴-۴ رویش گیاه (خوشه) از دم گاو در حال احتضار.....	۱۳۲
شکل ۴-۵. صورت‌های فلکی مار آبی (شجاع/ثعبان) و اسد به همراه سیارهٔ مشتری- در لوحهٔ گلی نجومی متعلق به دوران سلوکیان (به شمارهٔ VAT 7847) منطقهٔ اوروک.....	۱۳۳
شکل ۴-۶. وضعیت صور فلکی دبّ اکبر در طول فصول مختلف سال.....	۱۳۴
شکل پ ۱-۱. نقشهٔ کرهٔ سماوی و سال‌نمای ستاره‌ای موسوم به اسطرلاب که نشان‌دهندهٔ نواحی اِنا (حلقهٔ بیرونی)، اَنو (حلقهٔ میانی) و اِن لیل (حلقهٔ درونی (مرکزی))، به همراه ستارگان درخشان آن‌هاست.....	۱۴۲
شکل پ ۱-۲. طرح سادهٔ نواحی (مسیرهای) اِنا، اَنو و اِن لیل در آسمان.....	۱۴۳
شکل پ ۱-۳. مسیر سالانهٔ خورشید در نواحی اِنا، اَنو و اِن لیل، بر اساس مُل‌آپین.....	۱۴۶
جدول پ ۱-۳. طلوع صبحگاهی ستارگان دبران، شعرای شامی، شعرای یمانی، پروین، نسر واقع و سهیل در طول‌های جغرافیایی ۶۵-۷۰ درجهٔ شرقی (بدون در نظر گرفتن ارتفاع ظاهری ستاره و امکان رؤیت آن از دید ناظر زمینی، با حذف اتمسفر زمین در محیط نرم‌افزار Stellarium)	۱۵۱

جدول پ ۳-۲. غروب شامگاهی ستارگان دبران، شعرای شامی، شعرای یمانی، پروین، نسر واقع و سهیل در طول‌های جغرافیایی ۶۵-۷۰ درجه شرقی (بدون در نظر گرفتن ارتفاع ظاهری ستاره و امکان رؤیت آن از دید ناظر زمینی، با حذف اتمسفر زمین در محیط نرم‌افزار Stellarium) ۱۵۲

جدول پ ۳-۳. طلوع صبحگاهی ستارگان دبران، شعرای شامی، شعرای یمانی، پروین، نسر واقع و سهیل در طول‌های جغرافیایی ۶۵-۷۰ درجه شرقی (با در نظر گرفتن ارتفاع ظاهری بیش از ۲ درجه برای هر ستاره و امکان رؤیت آن از دید ناظر زمینی با در نظر گرفتن اتمسفر زمین در محیط نرم‌افزار Stellarium) ۱۵۳

جدول پ ۳-۴. غروب شامگاهی ستارگان دبران، شعرای شامی، شعرای یمانی، پروین، نسر واقع و سهیل در طول‌های جغرافیایی ۶۵-۷۰ درجه شرقی (با در نظر گرفتن ارتفاع ظاهری بیش از ۲ درجه برای هر ستاره و امکان رؤیت آن از دید ناظر زمینی، با در نظر گرفتن اتمسفر زمین در محیط نرم‌افزار Stellarium) ۱۵۴

جدول پ ۳-۵. هم‌زمانی طلوع ستارگان شعرای یمانی و سهیل با خورشید در طول‌های جغرافیایی ۶۵-۷۰ درجه شرقی (بدون در نظر گرفتن ارتفاع ظاهری ستاره و امکان رؤیت آن از دید ناظر زمینی، با حذف اتمسفر زمین در محیط نرم‌افزار Stellarium) ۱۵۵

جدول پ ۳-۶. هم‌زمانی طلوع ستارگان شعرای یمانی و سهیل با خورشید در طول‌های جغرافیایی ۶۵-۷۰ درجه شرقی (با در نظر گرفتن ارتفاع ظاهری بیش از ۲ درجه برای هر ستاره و امکان رؤیت آن از دید ناظر زمینی با در نظر گرفتن اتمسفر زمین در محیط نرم‌افزار Stellarium) ۱۵۷

فهرست نشانه‌ها

توضیحات کوتاه درون متن	()
عبارت یا جمله‌ای که در متن اصلی وجود ندارد و به عنوان توضیح جهت روشن‌تر شدن مطلب توسط مترجم یا مصحح به متن افزوده شده است.	< >
بخش‌های حذف شده از متن در نقل قول مستقیم	[...]
نشانگر ریشه باستانی واژه است.	
نشانگر صورت فرضی و بازسازی شده یک واژه در دوره باستان.	*
عبارت یا واژه تصحیح شده	+
رجوع کنید به	

فهرست اختصارها

نشانه	علامت
پیوست	.پ
میلادی	.م
صفحه	ص
صفحات	صص
قبل از میلاد	ق.م
قیاس کنید با	.قس
یادداشت (: پاورقی یا پی نوشت)	.ی
اوستایی یک واژه	Av.
فصل /بخش	Ch.
دادستان دینیک	Dd.
دستنویس پهلوی مجموعه دستور هوشنگ	DH
دینکرد ویراسته مَدَن	DkM
ویراستار	ed.
بندهشن بزرگ (ایرانی)	GrBd.
هندواروپایی	IE
هندوایرانی	Iir
کارنامه اردشیر بابکان	KAP
فارسی میانه	MP
ایرانی باستان	OIr
زبور پهلوی	Ps

سنسکریت	Skt.
دستنویس پهلوی مجموعه تهمورث دینشاه ۱.	TD1.
دستنویس پهلوی مجموعه تهمورث دینشاه ۲.	TD2.
مترجم	tr.
یسن	Y.
یشت	Yt.
گزیده‌های زادسپرم	WZ
زند وهمن یسن	ZWY

پیش‌گفتار:

این رساله، کوششی تازه جهت رمزگشایی و تفسیر دوباره نمادهای موجود در روایات مربوط به آخرالزمان در متن‌های زرتشتی از منظر نجومی است که در آن کوشش شده است تا تفسیری رضایت‌بخش از این روایات و اسطوره‌ها ارائه و با توجه به مدارک و مستندات متعدّد موجود، تأثیرپذیری عمیق این نشانه‌های پیش‌گویانه و آخرالزمانی از مشاهدات نجومی و منظره دائماً در حال تغییر آسمان در طول سال اثبات شود.

ساختار این رساله از پنج فصل تشکیل شده که ترتیب آن‌ها به شرح زیر است:

در فصل یکم، «کلیات طرح تحقیق»، اطلاعات کلی مربوط به ساختار، اهداف و چگونگی انجام پژوهش حاضر شامل مسأله پژوهش، موضوع پژوهش، قلمرو پژوهش، اهمیت و ضرورت پژوهش، اهداف پژوهش، کاربردهای پژوهش، نوع پژوهش، سوالات پژوهش، فرضیه‌های پژوهش گنجانده شده‌اند.

فصل دوم، با عنوان «روش‌شناسی پژوهش»، به طور عمده، به بررسی روش پژوهش، روش جمع‌آوری اطلاعات، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌پردازد.

فصل سوم با عنوان «مروری بر پیشینه پژوهش و تعاریف و مفاهیم اولیه»، به تعریف مفاهیم مرتبط با مسأله تحقیق، تاریخچه موضوع و سوابق پژوهش‌های انجام شده، بررسی مباحث نظری و تئوری‌های علمی مبنای تجزیه و تحلیل داده‌ها در فصل چهارم اختصاص دارد.

فصل چهارم با عنوان «یافته‌های پژوهش»، به پردازش داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده، تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه ویرایش یافته‌ها می‌پردازد.

فصل پنجم نیز به «بحث و نتیجه‌گیری» اختصاص یافته است.

فصل یکم:

کلیات طرح تحقیق

«علم ادیان، [...] امروزه اهمیت آن دسته از تصوّرات و تصویرهای ادراکی را، که مادهٔ اولیهٔ اندیشهٔ اساطیری است، بازمی‌شناسد. این تجلیات [...] به گفتهٔ یاده، فقط پوشش و لفاف منطقی عمیق‌اند. [...] زمانی که شکسته‌جان‌ترین مذاهب را در مطالعه می‌گیریم، آن‌چه سراسر آشکار می‌گردد، «فلسفه پیش از ظهور فلاسفه» است که خود ناشی از کوششی به قصد تبیین و ایجاد وحدت و تلاش برای نظریه‌پردازی به معنای جامع کلمه، است» ژرژ دومزیل، نوامبر ۱۹۴۸ (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۴-۱۵).

۱-۱. اهداف و چگونگی انجام پژوهش:

رسالهٔ حاضر را، به گفتهٔ میرچا الیاده (۱۳۷۲: ۲۱) صرفاً «به میزانی که خواننده را با پیچیدگی‌های هزار لای امور و واقعیت‌های مذهبی و ساختارهای اساسی آن‌ها و کثرت و گوناگونی «حلقه‌های فرهنگی» خاستگاه آن امور و ساختارها آشنا می‌سازد»، می‌توان در ذیل عنوان تاریخ ادیان یا اسطوره‌شناسی طبقه‌بندی کرد. این رساله کوششی است مستند در جهت اثبات تأثیر گسترده و ژرف نشانه‌ها و نمادپردازی‌های نجومی بر سنت‌ها، روایات و باورهای دینی موجود در متن‌های زرتشتی مربوط به پیدایش، فرجام و بازسازی جهان (با تأکید ویژه بر موضوع آخر الزمان، فرسکرد و رستاخیز و متن‌های مکاشفه‌ای) و بررسی ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با یکدیگر. به عبارت بهتر می‌توان گفت که این پژوهش، کوششی است در پاسخ به ضرورت آشنایی با رموز مسئلهٔ «آخرالزمان»، یعنی یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در دنیای مطالعات ادیان و اسطوره که به گفتهٔ ژرژ دومزیل! «هرکس معتقد است که در آن استاد است و لیکن آن معانی و مضامین، صعب و دشوارند» (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۴).

نگارنده در این رساله توجّه خود را معطوف به اسطوره‌شناسی سماوی، در محدودهٔ دین ایرانی نموده که مدّت‌هاست به طور جدّی مطالعهٔ میان فرهنگی جامعی دربارهٔ آن صورت نگرفته و با بهره‌گیری از بخشی از داده‌ها و آگاهی‌های موجود، با گرد هم آوردن نمادهایی چند از اساطیر بُندهشینی مرتبط با اساطیر فرجام‌شناسانه (مربوط به رستاخیز و رجعت)، در صدد نظم بخشیدن به آن‌ها، گنجاندن‌شان در چهارچوب طرحی منسجم و آشکار ساختن و درک چگونگی راه‌یابی تصویرها و پندارهای بسیار پیچیدهٔ ناشی از مشاهدات دراز مدّت آسمان و ستارگان، به باورهای مربوط به اسطورهٔ آخرالزمان در دین زرتشتی است؛ تا بدین ترتیب جزئیات بسیاری را در ارتباط با تأثیر آسمان در امور مردم آشکار نماید. بدین‌سانبا در پیش گرفتن این رهیافت اساساً متفاوت در تفسیر نمادپردازی‌ها و روایات فرجام‌شناسانه زرتشتی (ظهور منجی، پایان جهان و بازسازی آن (فرسکرد))، کوشش نگارنده بر آن بوده است تا فرض نقش‌آفرینی و تأثیر پیچیدهٔ تصاویر برگرفته از آسمان را، در حیات اجتماعی و اعتقادی آدمی، اثبات و جزئیات بیش‌تری در این باب آشکار نماید.

چنان‌که خواهیم دید، به نظر می‌رسد چنین رهیافتی، ما را به یافتن پاسخ‌هایی قابل قبول‌تر و تفسیری منسجم‌تر از معانی حقیقی رازها، آیین‌ها و نمادهای موجود در اسطوره‌های بُندهشینی (: روایات مربوط به آفرینش

1. Geoege Dumézil (1898-1986)

و پیدایش) و فرجام‌شناسانه موجود در سنت‌ها و روایات کهن دینی خواهد رساند، که به رغم ظاهر ناآشنا و صُور و نمادهای غریب و غیرمعمولشان، در واقع، نمایشی مصور و بسیار منسجم از دستگاه توانمند باورهای دینی- نجومی هستند و شناخت برخی نشانه‌ها، ما را قادر می‌سازد تا مفهوم این دستگاه اعتقادی را که به صورتی نمادین در روایات به نمایش در آمده است، بازیابیم. به عبارت بهتر، با این رهیافت شاید بتوان از میان توده انبوه مدارک ناهمگون ایرانی و غیر ایرانی، تصویری منظم‌تر و منسجم‌تر از آموزه‌های دین زرتشتی ارائه کرد و با مطالعه و بررسی «تاریخ ادیان» و «مشاهدات و پندارهای نجومی» دوران باستان، به شکل متقابل و در ارتباط با یکدیگر، برخی از مهم‌ترین نقاط تاریک موجود در تاریخ تطوّر و تحوّل آموزه‌ها و سنت‌های دیرپای دینی را روشن ساخت.

گرچه شناخت علائم نجومی، همواره از مهم‌ترین عناصر تحقیق در رشته نوپای «اختر-باستان‌شناسی»^۳ بوده که موضوع آن شناخت و فهم چگونگی تأثیرات آسمان، بر اجتماع، فرهنگ و به طور کلی نظام‌های اجتماعی است، با این همه، مطالعات پژوهشگران این رشته از زمان پیدایش آن در کنفرانس بین‌المللی آکسفورد در ۱۹۸۱ میلادی، بیش‌تر متمایل به مردم‌شناسی بوده است. به عبارت دیگر، پژوهشگران در این رشته بیش از شناخت علائم ستاره‌شناسی (که خود، یکی از عناصر بسیار مهم پژوهش به شمار می‌روند)، به مطالعه و فهم چگونگی تأثیرات ستاره‌شناسی بر اجتماع و فرهنگ می‌پردازند. تحقیقات انجام‌شده در بیش از سه دهه اخیر، فرض «تأثیرات آسمان، بر اجتماع، فرهنگ و به طور کلی نظام‌های اجتماعی» را اثبات نموده و گزارش‌های تازه‌ای نیز که به طور پیوسته در زمینه این علم نو منتشر می‌گردند نیز کاملاً مؤید این فرضیه‌اند (کراپ، ۱۳۸۳: ۹).

نخستین کنفرانس بین‌المللی «قوم-اخترشناسی»^۳ که در سال ۱۹۸۳ در واشنگتن برگزار شد و اهمیتی هم‌پایه با گردهمایی آکسفورد داشت، ارزش اطلاعات قوم‌نگاری و تاریخ اقوام با تحقیقات به عمل آمده در این زمینه، از سراسر جهان به نمایش گذاشته شد. در میان کنفرانس‌های گوناگونی که در این زمینه برگزار شد کنفرانس‌های سه‌گانه حیدرآباد هند بود که در افلاک‌نمای بیرلا^۴ برگزار شدند و تأکید آن‌ها بر سنت‌های اخترشناسی آسیا بود. لازم به ذکر است که شاخه «اخترشناسی تاریخی» جامعه اخترشناسی آمریکا، حداقل یک‌بار در سال جلساتی را در زمینه باستان-اخترشناسی ترتیب می‌دهد. برنامه‌هایی تخصصی، نیز در فهرست برنامه نشست‌های کنگره بین‌المللی پان‌امریکن و اتحادیه بین‌المللی اخترشناسی قرار گرفت. از سال ۱۹۸۸ مجله‌ای با عنوان «ستاره‌شناسی و علوم انسانی» توسط رصدخانه استرابورگ وابسته به دانشگاه استرابورگ

۲. archaeo-astronomy: مطالعه بین‌رشته‌ای ستاره‌شناسی و باستان‌شناسی.

3. ethno-astronomy

4. Birla planetarium

5. Astronomie et Sciences Humaines

فرانسه منتشر می‌شود و از سال ۱۹۹۰ نیز در اروپا نشست منطقه‌ای سالیانه، بنیان گذاشته شد (همان: ۱۰-۱۱). تمامی این اقدامات، چنان که ای. سی. کراپ^۶ به درستی اظهار داشته است، این نکته را به اثبات می‌رساند که:

«ارزش سنت‌های ستاره‌شناسی باستان، چیزی فراتر از مطالعه پیشرفت دانش و تکنیک‌های ستاره‌شناسی است و اهمیت اصلی این مطالعات در آن است که تا حدودی این امکان را به ما می‌دهد تا با ورود به نظام اعتقادی نیاکان مان، از شیوه نگرش آنان به جهان و جایگاه‌شان در عالم هستی، و نحوه تأثیرگذاری این نگرش بر روش‌های آنان برای انطباق، هماهنگی و همراهی با نیروهای شکل‌دهنده و متحول‌کننده زندگی‌شان آگاه شویم» (کراپ، ۱۳۸۳: ۱۱).

۲-۱. زمان، ادوار جهان، رجعت (بازگشت به اصل) و آخرالزمان در منطق اسطوره:

جهان دیگر، یکی از دل‌مشغولی‌های عهد باستان موضوع بوده است؛ چه به معنای جهانی آمدنی، که گرچه در افق آینده قرار دارد، می‌شود آن را از آموزه‌ای دینی استنباط، وصف و مطالعه کرد، و چه به معنی عالمی که هم‌زمان با زندگی ما در روی کره خاکی در ورای این جهان وجود دارد (شاکد، ۱۳۸۷: ۱۷). همین دل‌مشغولی به جهان دیگر (آخرت)، به زندگانی و نیز تصورات درباره آغاز خلقت (بندھشن^۷)، صورت و معنا بخشیده است (همان: ۱۸).

همه مراتب هستی، از کیهان‌شناسی تا رستگاری به دست منجی، با تصور احیاء به مفهوم حلول زمانی نو، یعنی باور به سرآغازی مطلق، که انسان گاه می‌تواند بدان دست یابد، پیوستگی دارند. اعتقاد به زمان ادواری (بازگشت جاودانه) و ویرانی متناوب جهان و نابودی انسان، که خود زمینه ظهور جهانی نو و انسان نو «احیا شده» است در وهله نخست نشانه‌ای از آرزو و امید نوشدگی متناوب زمان گذشته (تاریخ) است (همان: ۳۸۰).

در نزد انسان در تمامی مراتب آرزوی فسخ و ابطال زمان دنیوی و زیستن قدسی را باز می‌یابیم و مهم‌تر از آن، آرزوی احیای کل زمان یا توانایی زیستن، به طریقی انسانی و تاریخی، در زمان سرمدی، از طریق تبدیل زمان دنیوی به لحظه‌ای جاوید را مشاهده می‌کنیم. امید به احیای کامل سراسر زمان در همه اسطوره‌ها و آموزه‌ای متضمن ادوار کیهانی آشکارا و به روشنی بازتاب یافته است: هر دور به نحوی مطلق آغاز می‌گردد؛ زیرا هر گذشته و هر تاریخ بر اثر به پایان رسیدن برق‌آسا، قاطعانه ملغی و منسوخ شده است. «حسرت زمان

6. E. C. Krupp.
7. re-integration
8. Bundahišn

سرمدی» را چنان الیاده به درستی خاطر نشان می‌سازد نباید با وجه نظری مبتنی بر «مذهب اصالت روح» تعبیر کرد؛ زیرا از دیدگاه اصالت روح، هستی خاکی با همه الزاماتش به خاطر معنویت که در ترک علائق هست بی‌اعتبار تلقی می‌شود؛ برعکس این آرزو، گواه بر اشتیاق انسان به بهشتی عینی و ملموس و اعتقاد وی به دستیابی آن در همین خاکدان و بر گستره زمین است که هم‌اکنون، در زمان حال، امکان‌پذیر است و به عبارت دیگر اساطیر و آیین‌های کهن زمان و مکان قدسی با خاطرات حسرت‌بار «بهشت زمینی» و نوعی جاودانگی «تجربه‌شده» یا محسوس برمی‌گردند که آدمی می‌تواند مدعی دست یافتن به آن بشود (همان: ۳۸۱).

۱-۲-۱. زمان، ادوار جهان و رجعت (بازگشت به اصل)

مسئله زمان از دشوارترین موضوعات پدیدارشناسی^۹ مذهب است؛ زیرا تجربه یا ادراک زمان اقوام نخستین کاملاً با تجربه و ادراک زمان نزد انسان کنونی برابر نیست. این تفاوت شاید ناشی از گسسته نبودن تجربه و ادراک زمان دنیوی از مقولات زمان مذهبی اسطوره‌ای در نزد اقوام ابتدایی است. ساختار تجربه و ادراک زمان نزد انسان ابتدایی، تبدیل ادوار دنیوی را به زمان قدسی بر وی آسان می‌کند. مفهوم زمان قدسی و وجوه امتیاز آن با زمان «دنیوی» دارای ابعاد چندگانه‌ای است که چندین معنای متمایز را در بر دارد:

۱. ممکن است به معنای زمانی و موسم برگزاری رسم و آیین باشد و بدین علت، آن زمان، زمان قدسی یعنی ذاتاً متفاوت با زمان دنیوی به شمار می‌رود.

۲. ممکن است منظور از زمان قدسی، زمانی اساطیری باشد که گاه، از طریق آیین اعاده و بازیافته می‌شود و گاه از رهگذر تکرار ساده و مختصر عملی، که واجد صورت مثالی اساطیری است، واقعیت می‌یابد (الیاده، ۱۳۷۲: ۳۶۵).

۳. می‌تواند دال بر وزن و آهنگ‌های کیهانی (به عنوان مثال قداست ماه) باشد.

بدین ترتیب آنی یا بهره‌ای از زمان، هر لحظه ممکن است جلوه‌گاه قداست (امر قدسی) گردد. کافی است در آن لحظه یا پاره زمان، قدرت قداست یا الوهیت تجلی کند تا لحظه یا برهه زمان مزبور استحاله و امتیاز (تقدّس) پیدا کند و بر اثر تکرار (و تجدید) یادآوری شود و بنابراین تا بی‌نهایت قابل تکرار باشد. زمان، همچنان که بوده و هست، می‌تواند این امر فوق طبیعی فوق انسانی و فوق تاریخی را، مکشوف سازد (همان: ۳۶۵-۳۶۶). این لحظات یا ثانیه‌های تجلی قداست هر سال تجدید می‌شوند و از این لحاظ که مدت زمانی با ساختار قدسی به شمار می‌روند، پیوستگی و استمرار دارند، و در طول سال‌ها و قرن‌ها، «زمان» یگانه و واحدی به حساب می‌آیند؛ اما این مانع از آن نیست که به ظاهر هر چند گاه تکرار شوند؛ از این رو آنها را می‌توان به مانند مدخل و دهانه‌ای

9. phenomenology

زودگذر و برق‌آسا بر زمان کبیر تصور کرد که به لحظه‌های خارق‌عادت^۱ زمان اساطیری (دینی - جادویی) امکان می‌دهند تا در زمان دنیوی رخنه کنند.

مفاهیم تناوب (نوبتی بودن) و تکرار در اساطیر و فرهنگ عامه جایگاه والا و شامخی دارند.

در دین و منطق اسطوره‌ای، تناوب، پیش از هر چیز به معنای کاربرد بی‌نهایت زمانی اساطیری است که می‌توان آن را حاضر کرد (به حضور خواند). همه اعمال آیینی این ویژگی را دارند که اکنون (از زمان حال) به آن زمان (اساطیری) ببینند یا در آن زمان انجام گیرند. زمان ناظر بر واقعه مورد نظر، هر اندازه کهنه و دیرین، به محض آن که با برگزاری آیین مورد نظر یادآوری یا تکرار شود حاضر می‌شود و به عبارت دیگر، «باز به نمایش درمی‌آید» (همان: ۳۶۸). چرخه زندگی خدایان و قهرمانان فوق بشری صرفاً تذکر داده نمی‌شود بلکه به راستی از برابر دیدگان مؤمنان می‌گذرد و هر مؤمن راستین، باید حس کند معاصر آن وقایع تاریخ‌گذر است؛ زیرا زمان تجلی قداست، از طریق تکرار حضور می‌یابد. این همزمان بودن با لحظات سترگ اساطیری شرط لازم اثربخشی یا کارایی پدیده دینی - اسطوره‌ای (جادویی) است (همان: ۳۶۸-۳۶۹).

تناوب، تکرار و دوام حضور، سه ویژگی زمان جادویی-دینی هستند که به اتفاق معنای

ناهمگونی زمان تجلی قدرت و زمان تجلی قداست را با زمان دنیوی روشن می‌سازند. خدایان یا «نیاکان»، آیین‌ها را چون همه فعالیت‌های اساسی انسان در زندگی (صید، شکار، میوه‌چینی، کشاورزی و غیره) که بعدها، گرچه به طور ناقص، اعمال «دنیوی» شده‌اند، تعیین کرده‌اند. هر بار که آیین تکرار می‌شود، به تقلید از عمل مثالی و ازلی خدایان (عملی که در آغاز زمان - زمان اساطیری - صورت پذیرفته است) انجام می‌گیرد. تأثیر این تکرار، در عین حال، استقرار و حاکمیت زمان اساطیری خدایان و نیاکان نیز هست. بنابراین، فرد، خواه خود همان قهرمان گردد خواه با وی همزمان شود، در زمان اساطیری که اکنون حاضر است و ممکن نیست آن را با هیچ زمان دنیوی درآمیخت، زندگی می‌کند. وی با تکرار عملی مثالی و ازلی، در زمان قدسی بدون تاریخ، غوطه می‌زند و این راه‌یابی یا سیر، زمانی ممکن می‌گردد که زمان دنیوی ملغی شود (همان: ۳۶۹-۳۷۰). بنابراین انسان ابتدایی از رهگذر هر عمل آیینی به زمان اساطیری راه می‌یابد؛ از این جهت درباره دوران اساطیری نباید فقط چنین پنداشت که سپری شده است، بلکه باید همچون زمان حاضر و آینده نیز بدان اندیشید؛ یعنی آن به مانند حالت یا به مثابه یک دوران در نظر گرفت که دورانی است خلاق؛ بدین معنا که آفرینش و سازمان‌دهی کیهان در آن «روزگار دور دست» (ازل)^۱ صورت گرفته است، چنان که کشف و شناساندن همه فعالیت‌های مثالی و ازلی بدست خدایان و قهرمانان و نیاکان فرهنگ‌ساز.

1 . paradoxal 0
1 . in illo tempore 1

در ازل، در دوران اساطیری، همه چیز ممکن بوده است. در آن هنگام، هنوز، «انواع» تثبیت نشده و اشکال و صور، «سیال» بودند. از سوی دیگر همین سیالیت صور، در منتهای زمان، از جمله علامات آخرت^۱ یعنی زمانی است که «تاریخ» به پایان می‌رسد و حیات سراسر جهان (دیگر بار) در زمانی قدسی و سرمدی آغاز می‌شود (همان: ۳۷۰). تجدید یا اعاده «آن روزگار کهن» (روز آلت)، یعنی زمان اساطیری (زمان کبیر)، حاصل هرگونه آیین و هر عملی با معنی و هدفدار بی‌هیچ تمایزی است. به گفته وان درلیو^۲ «هر آیین تکرار پاره‌ای از زمان آغازین است» و «زمان آغازین چون الگوی هر زمانی به کار می‌رود. آنچه روزی روی داده است، پیوسته تکرار می‌شود. برای فهم زندگی، کافی است که اسطوره را شناخت» (همان: ۳۷۱).

هر کس می‌تواند به زمان قدسی که عموماً در اعیاد همگانی، از طریق گاه‌شماری تجدید می‌شود، فقط با تکرار عملی مثالی، آرمانی و اساطیر، در هر لحظه دست یابد. به عبارت دیگر، این پدیده، گرایشی به خروج از چارچوب‌های اجتماعی تجدید زمان قدسی است (همان: ۳۷۲). اعیاد در زمانی قدسی واقع‌اند؛ یعنی، به گفته مارسل موس، در زمان ابدی و سرمدی. مهم‌ترین نکته نهفته در اعیاد متناوب، آرزوی الغای زمان دنیوی سپری شده و تجدید «زمانی نو» است و به عبارت دیگر، کار اعیاد متناوب، که به دوره‌ای از زمان پایان داده و دوره‌ای جدید را می‌گشایند، تجدید حیات کل زمان است (همان: ۳۷۳).

ویژگی مشترک همه مراسم آیینی سالانه، استوار بودن آن‌ها بر این فرض است که تکرار رمزی آفرینش کیهان، متناوباً، موجب احیای زمان می‌شود (همان: ۳۷۸) و هدف مشترک تمامی آن‌ها عبارت است از حذف و ابطال زمان گذشته و نسخ و الغای تاریخ از طریق بازگشت مستمر به ازلیت (همان: ۳۷۹).

۲-۱. مفاهیم فرجام‌شناسی (معاد) و آخرالزمان^{۱۵}

وابستگی متقابل دو مفهوم توأمان «تکوین کیهان» و «فرجام‌شناسی (معاد)»، از جمله مهم‌ترین خصوصیات ثابت و شاخص موجود در آموزه‌های دین زرتشتی است که در سرتاسر دوران تکوین و تحوّل تاریخی این دین و یکی از معدود مفاهیم روشن گاهان است (شاکد، ۱۳۸۷: ۲۲). مفاهیم فرجام‌شناختی (معادی) در ایران، با مفاهیم آفرینش مربوطند و توصیفات آفرینش جهان، سخت با پایان آن به هم پیوسته است و به عبارت دیگر، آفریننده، زمانی که جهان را به وجود آورده، پایانش در خاطر داشته است. نگاهی کوتاه به برخی اجزاء این توصیف‌ها این

1 . eschaton	2
1 . Van der Leew	3
1 . eschatology	4
1 . apocalyptic	5

مطلب را آشکار خواهد ساخت (همان: ۱۸). مسئله از تکرار رویدادها سرچشمه می‌گیرد (شاکد، ۱۳۸۱: ۹۱) و آفرینش گیتی یا عالم ماده (بُنْدَهیشَن) نیاز به توضیح یا توجیه و یا به عبارت دیگر، بیان کارکردها و دلایلی دارد که گیتی به سبب آن‌ها آفریده شده است (همان: ۷۷). وجود شر، صرف‌نظر از منشأ آن، در بحث فرجام‌شناسی پاسخ نهایی خود را می‌یابد و بنا بر این وقوع و بروز حوادث آخرالزمان در دین زرتشتی، شرط لازم منطقی برای آغاز جهان است (شاکد، ۱۳۸۷: ۴۳).

موضوع آخرالزمان یکی از مضامین سه‌گانه فرجام‌شناختی (معادی) است که به طور عمده، به شخصیت منجی و فاجعه‌ای می‌پردازد که به پایان جهان خواهد انجامید (شاکد، ۱۹۷۰: ۲۲۴-۲۲۵). رویدادهایی که به نوسازی جهان و وقوع آخرالزمان می‌انجامند، نمایانگر مرحله‌ای در تاریخ جهان‌اند که در آن نبرد میان دو مینو به شدیدترین مرحله خود می‌رسد (شاکد، ۱۳۸۱: ۹۳). در این تضاد، طبیعتاً لحظه پایان جهان، پاسخی به پرسش‌های مربوط به عدل الهی است (همان: ۸۱).

واژه "Apocalyptic"، که به طور معمول برای بیان این مفهوم به کار می‌رود، واژه‌ای است با منشأ یونانی که معادل دقیق آن از نظر معنایی، واژه آشنای «مکاشفه» است.^{۱۶} در واقع "Apocalyptic" «صرفاً واژه دیگری است برای دلالت بر «مکاشفه» [...] و بنابراین پیش‌گویی^{۱۷} و "Apocalyptic" ذاتاً مترادف‌اند»^{۱۸} (چارلز، ۱۹۱۴: ۱۴، ی. ۱؛ بویس، ۱۹۸۴: ۵۷). در تعریف «پیش‌گویی» نیز چنین آمده است «تجلی معرفتی است که نمی‌توان آن را از طریق حواس معمولی (: پنج‌گانه) دریافت اما از طریق الهام از جانب یک الهه یا نیروی ذاتی غیب‌گویانه دیگری در خود فرد «دانندهٔ سر»^{۱۹} حاصل می‌شود» (بویس، ۱۹۸۴: ۵۷). به گفته هولتگارد (۱۹۸۳: ۳۸۷) معنای عرفی این واژه (Apocalyptic)، عبارت است از «آموزه‌های معادی (فرجام‌شناختی) که در چارچوبه یک تاریخ کیهانی نهاده شده‌اند که به دوره‌هایی تقسیم شده است».

۱۶. دیگر موضوعات اصلی مورد بحث در فرجام‌شناسی (معاد) عبارتند از: ۱. فرجام‌شناسی فردی (Individual eschatology) که به زندگی پس از مرگ، داوری و پاداش و کیفر بهشت و دوزخ می‌پردازد. ۲. فرجام‌شناسی جهانی (Universal eschatology) که موضوعات اصلی مورد بحث در آن عبارتند از رستاخیز (The Resurrection)، داوری همگانی، نوسازی جهان (شاکد، ۱۹۷۰: ۲۲۵).

1 . revelation 7

۱۸. در مورد کاربرد اسم و فعل A O K A Y I و A O K A Y T، در زبان یونانی پس از دوران کلاسیک، اسمیت، ۱۹۸۳: ۲۹-۹. در مورد منشأ و ریشه واژه apocalypse، که apocalyptic از آن مشتق شده است، در فرهنگ انگلیسی Longman (نسخهٔ الکترونیکی، ویرایش ۲۰۰۹)، چنین آمده است:

Apocalypse:

Word origin: from Greek, from *apokalyptein* 'to uncover', from *apo-* 'away from, off' + *kalyptein* 'to cover'.

1 . prophecy 9

۲۰. گفتنی است که در مطالعات یهودی، در ابتدا واژه "Apocalyptic" به طور عمده برای اشاره به آن دسته از آثار مقدس دینی به کار می‌رفت که تاریخ تصنیف آن‌ها به دوره حد فاصل تدوین عهد عتیق و عهد جدید باز می‌گردد (چارلز، ۱۹۱۴: ۲۴).

2 . seer 1